

گونه‌شناسی و طبقه‌بندی فرهنگ سفالی مس سنگی جدید شمال مرکز فلات ایران در پرتو یافته‌های کارگاه شمالی محوطه میمنت‌آباد

روح الله یوسفی زشک

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا

مجید ضیغمی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

سعید باقی زاده*

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۸؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۳/۳۰

چکیده

تپه میمنت‌آباد در مجاورت روستای میمنت‌آباد و در فاصله ۲۵ کیلومتری تهران قرار دارد. پژوهش‌های باستان‌شناسی در تپه میمنت‌آباد به سرپرستی روح‌الله یوسفی با هدف لایه‌نگاری در هر دو برجستگی اصلی شمالی و جنوبی این محوطه صورت گرفت. در مجموع در تپه میمنت‌آباد براساس لایه‌نگاری، یک دوره فرهنگی مس‌سنگی جدید شناسایی شده است. کاوش لایه‌نگاری در تپه میمنت‌آباد و ارائه جدول گاه‌نگاری آن منجر شد تا اطلاعات جدید از دوره‌های فرهنگی و به‌ویژه در مورد عصر مس‌سنگی جدید (سیلک III_{6,7} و سیلک IV₁) در این تپه آشکار گردد. همان‌طور که می‌دانیم عصر مس‌سنگی جدید دارای دو فرهنگ با سبک‌های سفالی متفاوت است که در سرتاسر شمال مرکز فلات ایران تداوم داشته است. این گزارش با در نظر گرفتن دو برجستگی مجزا از هم که از نظر توالی گاه‌شناختی در امتداد هم و در طی دوره‌های زمانی متفاوتی مسکون بوده‌اند، به ارائه گزارش کارگاه شمالی و تکیه بر داده‌های سفالی پرداخته تا بتواند تصویر مناسب‌تری از فرایند تحولات قابل‌مطالعه در محوطه را ارائه نماید. مطالعه گونه‌شناختی یافته‌های باستان‌شناسی محوطه نشان‌گر شباهت‌های نزدیکی میان مراحل استقرار این محوطه با فرهنگ‌های شناخته‌شده مرکز فلات ایران از دشت قزوین تا کاشان و سایر محوطه‌های مشابه در سرزمین‌های پست و بلند ایران در نیمه هزاره چهارم ق.م. و اواخر آن است. در این مقاله به توصیف و طبقه‌بندی سفال‌های اواخر هزاره چهارم ق.م. در این محوطه پرداخته خواهد شد که در خلال کاوش به‌دست آمده و با سایر سفال‌های مشابه دیگر مناطق از جنبه‌های مختلف مقایسه خواهند شد.

واژه‌های کلیدی: شمال مرکز فلات ایران، میمنت‌آباد، مس‌سنگی جدید، سیلک IV₁.

۱. مقدمه

دشواری‌های زیست‌محیطی در مرکز فلات ایران مشخصه‌هایی هستند که بر فرهنگ‌های ساکن منطقه در طول هزاره‌های متمادی تأثیراتی ایجاد نموده و به‌مثابه قالبی، خمیره فرهنگ‌های پیش‌تاریخی را در درون خود شکل داده است. در بازه زمانی هزاره چهارم تا هزاره سوم ق.م. تغییرات شگرفی به‌خصوص در خاور نزدیک به منصفه ظهور رسید. به لحاظ زمانی، آخرین مرحله توسعه فرهنگی جوامع پیش‌تاریخی مرکز فلات ایران تا پیش از دوره‌ی آغاز نگارش با مشخصه‌ی سفالینه‌های تپه قبرستان و سگزآباد در دشت قزوین و سیلک در حاشیه‌ی شمالی کویر مرکزی شناخته می‌شود که در ادبیات سنتی باستان‌شناسی ایران به سفال‌های «سیلک III_{6,7}» معروف هستند (Ghirshman, 1933: 235). پایان این دوره در مرکز فلات و ورود به دوره‌ی آغاز نگارش با عناوین آروک و آغاز ایلامی شناخته می‌شوند (یوسفی زشک، ۱۳۸۹: ۲۰).

به لحاظ زمانی، عصر مس‌سنگی جدید در شمال مرکز فلات ایران براساس نتایج رادیوکربن‌های منتشرشده از تپه قبرستان، قلی درویش، سیلک جنوبی، اریسمان در تاریخی بین ۳۷۰۰ تا ۳۴۰۰ ق.م. تاریخ‌گذاری می‌شود (Fazeli Nashli et al. 2013: 107). تحقیقات انجام‌شده اخیر در تپه سیلک جنوبی حاکی از تاریخ ۳۷۱۰ تا ۳۴۹۰ ق.م. و ۳۷۶۰ تا ۳۵۱۰ ق.م. برای دوره مس‌سنگی جدید است که نشان از پایان دوره مس‌سنگی جدید در ۳۵۰۰ ق.م. دارد (Nokandeh 2010). دوره مس‌سنگی جدید در تپه قبرستان در تاریخ ۳۵۵۰ ق.م. متروک شده است. جدیدترین تاریخ‌های رادیوکربن از دوره مس‌سنگی جدید (سیلک III₆₋₇) در تپه سگزآباد به قبل از ۳۵۵۰ ق.م. برمی‌گردد (فاضلی‌نشلی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۵۳).

شاخصه دوره مس‌سنگی جدید، سفالینه‌های تپه قبرستان و سگزآباد در دشت قزوین، سیلک در حاشیه شمالی کویر مرکزی است که به سفال‌های سیلک III_{6,7} معروف هستند. سفال‌های شاخص این دوره از نوع نخودی و کرم بسیار ظریف و منقوش و ساده هستند. فرم‌های این سفال‌ها، شامل: فنجان‌ها، کاسه‌های عمیق با کف‌های تخت و انواع پایه‌دار با دیواره محدب و ظروف با لبه‌برگشته به بیرون است. سفال‌های این دوره دارای پوشش گلی غلیظ بوده و رنگ آن‌ها در طیف نخودی متمایل به زرد تا کرم کم‌رنگ قرار دارند. ماده افزوده این سفال‌ها ترکیبی از مواد غیرآلی، مانند شن نرم است و گل آن به‌خوبی ورز داده شده است. طی این مرحله هم‌گونی منطقه‌ای در قالب سنت و سبک ساخت این سفال‌ها به اوج خود می‌رسد. تنوع نقوش شامل ترکیبی از نقوش گیاهی، حیوانی و هندسی است (Fazeli et al. 2013: 116). پایان دوره مس‌سنگی جدید در مرکز فلات، ناپدیدشدن سفال‌های کلاسیک دوره سیلک III_{6,7} و فراوانی سفال‌های خشن چرخ‌ساز نخودی‌رنگ و سفال‌های خاکستری-سیاه است. ظهور این سفال‌های جدید در قالب سفال‌های لبه‌وارخته، سینی‌ها و سفال‌های نخودی با تزئینات کُنده قابل‌مقایسه با مجموعه سفال‌های شوش آکروپل لایه‌های 16-14b، تپه‌چیبی لایه IVc، سیلک IV2 در ایران هستند (La Brun 1971; Ghirshman 1939; Lamberg-Karlovsky 1970). اکثر محوطه‌های آغازایلامی بر روی خاک بکر شکل گرفته‌اند و ضرورتاً نشانه‌ای از ادامه سنت‌های دوره مس‌سنگی جدید را در خود ندارند. در محوطه‌های دشت قزوین درحالی‌که سفال‌های دوره قبل ناپدید می‌شوند جایگزینی سفال‌های کورارس در تمامی لایه‌ها قابل مشاهده است.

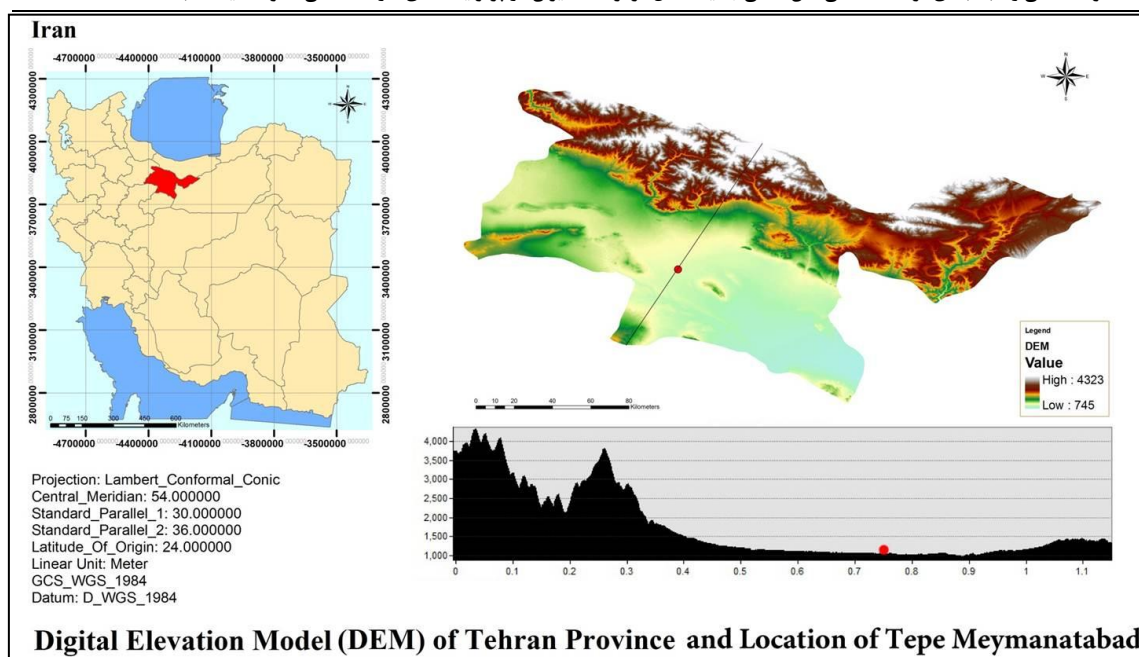
هدف این مقاله، بررسی و مطالعه سفال دوره مس‌سنگی جدید براساس کاوش لایه‌نگاری در محوطه میمنت‌آباد است که در آن به ویژگی‌های منطقه‌ای نمونه‌های سفالی به‌دست‌آمده از کاوش این محوطه اشاره

می‌شود. مطالعه سبک‌شناختی یافته‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی میمنت‌آباد، نشان‌گر شباهت‌های نزدیکی است که بین مراحل استقرار مختلف آن با فرهنگ‌های شناخته‌شده‌ی مرکز فلات ایران از دشت قزوین تا کاشان در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم ق.م. و اواخر آن وجود دارد. از آن جایی که توالی منظم و قابل‌توجهی در تداوم لایه‌های فرهنگی آن وجود دارد، مطالعه‌ی دقیق‌تری از فرایند تحولات حاکم بر این دوره‌ی زمانی را امکان‌پذیر می‌سازد. پژوهش در این مقاله مبتنی بر مقایسه داده‌های به‌دست‌آمده از محوطه‌ی میمنت‌آباد با تپه‌های قبرستان (Fazeli et al. 2013; Majidzadeh 1976)، ازبکی (مجیدزاده ۱۳۸۹)، سیلک جنوبی (Ghirshman 1939; Nokandeh 2010) و گودین تپه (Gopnik & Rothman 2011) می‌باشد.

۲. محوطه میمنت‌آباد رباط کریم

۲-۱. موقعیت جغرافیایی

محوطه میمنت‌آباد در شهرستان رباط کریم و در موقعیت $35^{\circ}29'484''$ طول شمالی و $51^{\circ}10'805''$ عرض شرقی، در فاصله حدود ۲۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهر تهران و در فاصله‌ی حدود ۵۰۰ متری جنوب روستای میمنت‌آباد واقع شده است (نقشه ۱). در ۵۰۰ متری شمال محوطه، دبستان روستای میمنت‌آباد، در ۱۰۰ متری جنوبی آن کارگاه‌های صنعتی و گاوداری قرار دارند و در جبهه‌ی شرقی و غربی آن نیز زمین کشاورزی واقع شده که تا دامنه‌ی عرصه محوطه پیش‌روی کرده است. در فاصله ۳۰۰ متری شرق محوطه، رودخانه‌ی شادچای (شاه‌چای)، یکی از انشعابات اصلی رود کرج جریان دارد. در فاصله حدود $1/5$ کیلومتری شمال‌غربی آن سیاه‌کوه واقع شده که دارای معدن منگنز در حال استخراج و یک معدن قدیمی مس متروکه است. این محوطه نخستین‌بار توسط حسن فاضلی‌نشلی شناسایی شد (فاضلی ۱۳۸۰: ۲۱۰). پس از آن حسن باقری در سال ۱۳۸۰ محوطه را بررسی نمود و در سال ۱۳۸۵ سجاد علی‌بیگی به تعیین حریم و نشانه‌گذاری این محوطه پرداخت و بر اساس مطالعه مجموعه سفال‌های محوطه، میمنت‌آباد را از دوران مس‌سنگی جدید و قرون میانی دوره‌ی اسلامی معرفی کرده است (علی‌بیگی ۱۳۸۵). محمدرضا نعمتی و فرشید مصدقی هم در همایش باستان‌شناسی عصر مفرغ ایران این محوطه را به عنوان محوطه‌ای از دوران آغاز عصر مفرغ معرفی کردند. این محوطه در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۵ به شماره ۳۱۰۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. بررسی روشمند محوطه در تیرماه ۱۳۸۹ در دو مرحله زمانی، طی حدود شش‌ماه عملیات میدانی و مطالعاتی توسط قاسم رحیمی انجام شد (یوسفی‌زک ۱۳۸۹: ۱۰)؛ هم‌چنین کاوش لایه‌نگاری این محوطه به سرپرستی نگارنده در مردادماه ۱۳۸۹ صورت پذیرفت.



نقشه ۱: نقشه ارتفاع رقومی محوطه میمنت‌آباد (یوسفی‌ز شک ۱۳۸۹: ۲۰۳)

۲-۲. روش کاوش

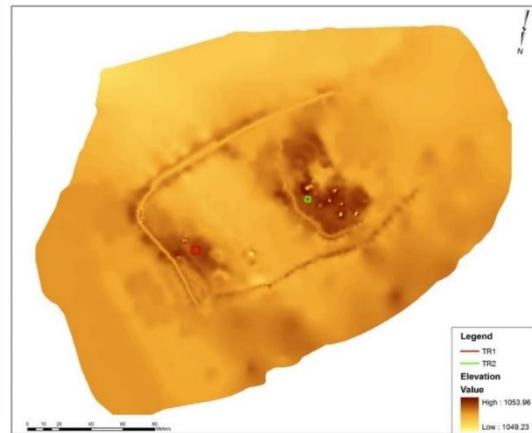
فصل اول فعالیت‌های میدانی در محوطه‌ی باستانی میمنت‌آباد که از دو برجستگی نسبتاً کم ارتفاع و البته کم وسعت قدیمی‌تر جنوبی و جدیدتر شمالی تشکیل شده، در شهریور و مهرماه ۱۳۹۱، با ایجاد دو کارگاه جداگانه بر روی هریک از برجستگی‌ها و تنها به‌منظور لایه‌نگاری به انجام رسید (تصویر ۱). نتایج حاصل از این کاوش منجر به شناسائی شواهدی از چهار مرحله‌ی استقرار مختلف شد که شامل دو مرحله معماری و نهشته‌گذاری‌های قابل‌مقایسه با دوره‌های فرهنگی شناسایی شده‌ای مانند سیلک III₆، قبرستان II و III و بخشی از قبرستان IV و ازبکی V-VII و دورریزها و نهشته‌های استقرار دوره‌ی سیلک III₇ بود. در طرف مقابل، یافته‌های کارگاه شمالی نیز حاکی از تداوم استقرار بین دو برجستگی شمالی و جنوبی بود که شامل سه مرحله‌ی استقرار قابل‌مقایسه با دوره‌های سیلک III₇ و قبرستان IV₆₋₁ و ازبکی VII و VIII هستند. ضمن اینکه مرحله‌ی متأخرتر در برجستگی شمالی، با شواهد معماری قابل توجهی نیز همراه است. این گزارش با در نظر گرفتن دو برجستگی مجزا از هم که از نظر توالی گاه‌شناختی در امتداد هم و در طی دوره‌های زمانی متفاوتی مسکون بوده‌اند، از قدیم به جدید و با اولویت ارائه‌ی گزارش کارگاه شماره‌ی ۱ در برجستگی شمالی و تکیه بر داده‌های سفالی نگاشته شده است تا بتواند تصویر مناسب‌تری از فرایند تحولات قابل‌مطالعه در محوطه را ارائه نماید.

۲-۳. کارگاه شماره ۱، برجستگی شمالی

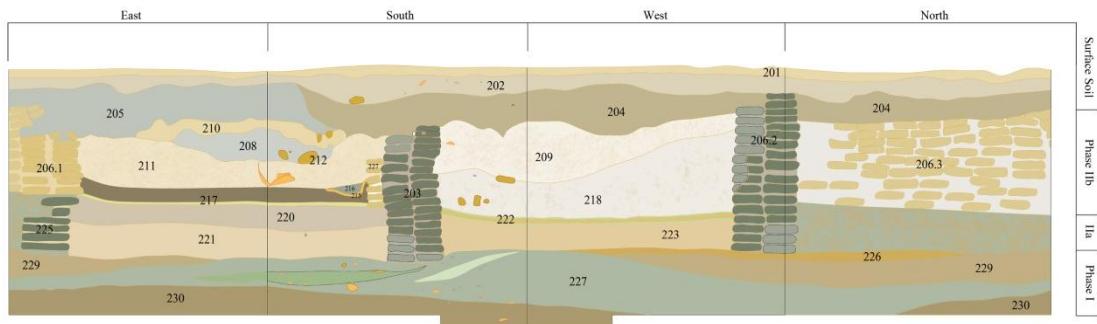
کارگاه شماره ۲ به ابعاد ۳×۳ متر با دارابودن ۳ متر لایه‌های فرهنگی مختلف، به منظور اطمینان از تداوم لایه‌های خاک بکر تا عمق سه‌ونیم متری مورد کاوش قرار گرفته و مجموعاً شواهدی از سه مرحله‌ی استقرار و ۲۷ لوکوس از آن به دست آمده است (تصویر ۲ و ۳ و جدول ۱).



تصویر ۲: کارگاه شماره ۱ بر روی برجستگی شمالی



تصویر ۱: موقعیت برجستگی‌ها و کارگاه‌ها (کارگاه ۱ در برجستگی شمالی و کارگاه ۲ در برجستگی جنوبی)، (یوسفی‌ز شک ۱۳۸۹).



تصویر ۳: مجموع مراحل استقرار کارگاه شماره ۱

جدول ۱: طبقه‌بندی و دوره‌بندی لایه‌های میمنت‌آباد

ردیف	فاز لایه‌نگاری	شماره لوکوس	نوع لوکوس	نوع نهشته/ساختار	دوره
۱	...	۱۰۱	نهشته	خاک سطحی
۲	IV	۱۰۲	ساختار	دیوار خشتی
۳	IV	۱۰۳	ساختار	سکوی خشتی	مس سنگی جدید
۴	IV	۱۰۴	ساختار	آتشدان	مس سنگی جدید
۵	IV	۱۰۵	نهشته	پرشدگی / خاکستر	مس سنگی جدید
۶	IV	۱۰۶	نهشته	پرشدگی / آوار متراکم	مس سنگی جدید
۷	IV	۱۰۷	نهشته	پرشدگی / آوار متراکم	مس سنگی جدید
۸	IV	۱۰۸	نهشته	پرشدگی / آوار	مس سنگی جدید
۹	IV	۱۰۹	ساختار	کف گلی	مس سنگی جدید
۱۰	IV	۱۱۰	ساختار	کف آتشدان	مس سنگی جدید
۱۱	IV	۱۱۱	ساختار	کف گلی	مس سنگی جدید
۱۲	IV	۱۱۲	نهشته	پرشدگی استقرار	مس سنگی جدید
۱۳	IV	۱۱۳	نهشته	کف	مس سنگی جدید
۱۴	IV	۱۱۷	ساختار	کف سازی	مس سنگی جدید

۱۵	IV	۱۱۸	ساختار	کف سازی	مس‌سنگی جدید
۱۶	IV	۱۱۹	ساختار	اندود گلی دیوار	مس‌سنگی جدید
۱۷	IV	۱۲۰	ساختار	اندود گلی دیوار	مس‌سنگی جدید
۱۸	IIIb	۱۱۴	نهشته	پرشدگی استقراری	مس‌سنگی جدید
۱۹	IIIb	۱۱۵	ساختار	گودال زباله	مس‌سنگی جدید
۲۰	IIIb	۱۱۶	ساختار	پرشدگی استقراری	مس‌سنگی جدید
۲۱	IIIb	۱۲۱	نهشته	کف استقراری	مس‌سنگی جدید
۲۲	IIIa	۱۲۲	ساختار	آتشدان	مس‌سنگی جدید
۲۳	IIIa	۱۲۳	نهشته	گودال زباله	مس‌سنگی جدید
۲۴	IIIa	۱۲۴	نهشته	پرشدگی استقراری	مس‌سنگی جدید
۲۵	IIIa	۱۲۵	نهشته	پرشدگی استقراری	مس‌سنگی جدید
۲۶	IIIa	۱۲۶	نهشته	پرشدگی استقراری	مس‌سنگی جدید
۲۷	...	۱۲۷	نهشته	خاک بکر

منبع: نگارندگان

۳. مراحل استقراری کارگاه شمالی محوطه میمنت‌آباد

۳-۱. مرحله استقراری (Phase IIIa)

این مرحله از استقرار در محوطه که با توجه به یافته‌های موجود اولین مرحله استقراری کارگاه شماره ۱ و قدیمی‌ترین مرحله استقراری شناسایی شده در برجستگی شمالی محوطه در فصل اول کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه میمنت‌آباد رباط کریم می‌باشد، مستقیماً بر روی خاک بکر قرار گرفته است و متشکل از چهار لوکوس مجزا می‌باشد. با توجه به عدم وجود آثار سازه‌های معماری و با در نظر گرفتن توالی نهشته‌گذاری به شکل لایه‌های پی‌درپی در این مرحله استقراری چنین به نظر می‌رسد که محل کارگاه شماره ۱ در این مرحله از استقرار، قسمتی از یک فضای باز بوده است. یافته‌های این فاز شامل سفال، استخوان حیوانی، جوش کوره، مهره گلی، شیء با کاربری نامعلوم، ابزار سنگی، قطعه سنگ گچ، قیر، سنگ ساب، مهره و نمونه کربن ۱۴ است.

یافته‌های سفالی این مرحله استقراری متشکل از حداقل سه گونه سفالی مختلف است که گروه اول مربوط به تداوم قابل توجه گونه سفال‌های قرمز ساده (Simple Red Wares) است که البته با توجه به کاهش ابعاد فضای مورد کاوش در این مرحله از نظر آماری با کاهش قابل ملاحظه‌ای روبرو می‌شوند. گروه دیگر سفال‌های رایج در این مرحله ظروف سفالی زاویه‌دار نخودی‌رنگ ساده (Carinated Plain Buff Wares) هستند که کاسه‌هایی با اندازه‌های تقریباً استاندارد بوده و در میان آن‌ها انواع زاویه‌دار و منحنی و نیز انواع با کف‌های تخت یا پایه‌دار را نیز می‌توان یافت. گروه دیگری از سفال‌های رایج در این مرحله، گونه منقوشی است که از آن با عنوان سفال استاندارد منقوش سیاه روی نخودی (Standard Black on Buff Wares) یاد می‌شود.

۳-۲. مرحله استقراری (Phase IIIb)

این مرحله استقراری در کارگاه شماره ۱ شرایطی کاملاً مشابه مرحله استقراری پیشین داشته و متشکل از لایه‌هایی از نوع نهشته‌های استقراری و فاقد معماری است که تنها دلیل تفکیک آن از مرحله قبلی کفی نسبتاً کوبیده شده، ظاهراً در فضای باز استقرار است که با توجه به تراکم و تمرکز قطعات بزرگتری از سفال که اغلب شکستگی‌های تیز و تازه‌ای داشته و بر روی بافت نسبتاً متراکمی نهشته شده‌اند، تقویت شده و از مرحله استقراری پیشین جدا شده‌است. یافته‌های سفالی این مرحله استقراری نیز همچون مرحله قبل متشکل از انواع سفال‌های قرمز ساده (Simple Red Wares)، سفال‌های استاندارد با نقش سیاه بر روی زمینه نخودی (Standard Black on Buff Wares) و سفال‌های زاویه‌دار نخودی رنگ ساده (CPB) هستند که بدون تغییرات قابل توجهی تداوم می‌یابند.

۳-۳. مرحله استقراری (Phase IV)

این فاز آخرین فاز بر روی تپه شمالی محوطه میمنت‌آباد می‌باشد که مربوط به دوره آروک و آغاز شهرنشینی بوده است. این فاز متشکل از یک فضای معماری بوده که با کفی گلی از فاز استقراری پایین‌تر جدا می‌شود. معماری این فاز بسیار مهم است، چرا که تا حدود زیادی از نوع تکنیک ساخت بنا در این دوره خبر می‌دهد. یکی از نکات مهم در آن دیواری می‌باشد که تا دو دیواره شمالی و جنوبی ترانشه امتداد پیدا می‌کند. این دیوار خشتی عریض در راستای شمال‌شرقی-جنوب‌غربی قرار دارد و فضای کارگاه کاوش را به دو قسمت نامساوی تقسیم می‌کند که قسمت بزرگ‌تر در غرب کارگاه قرار گرفته و متعلق به فضای باز بیرون دیوار بوده و قسمت کوچک‌تر شرقی فضای سرپوشیده‌ای با یک اجاق نسبتاً بزرگ است که به شکل سکونی مستطیل شکل درون دیوار کار گذاشته شده‌است. این دیوار از جنس خشت و به همراه شاموت کاه می‌باشد. طول این دیواره خشتی ۵۳۲ سانتی‌متر و عرض آن ۱۱ سانتی‌متر بوده و فاصله بین خشت‌ها ۳ سانتی‌متر است. تکنیک ساخت این دیوار خشتی از دو ردیف خشت در میانه دیوار به صورت خوابیده و دو ردیف خشت در کنار هم به صورت ایستاده در دو طرف خشت‌های خوابیده تشکیل شده است. خشت‌ها مستطیل شکل هستند. هرچند وجود یک آتشدان در قسمت داخلی بنا مسجّل است ولی از کاربری بنا به دلیل محدود بودن فضای کاوش نمی‌توان حرفی زد. با توجه به اندوهدایی که به صورت مکرر در روی آتشدان دیده می‌شود می‌توان گفت که در چند دوره مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته است. یافته‌های این فاز شامل قطعات فراوان سفال، استخوان و فک حیوانی، ابزار سنگی، مهره سنگی، جوش کوره، نمونه کربن ۱۴، شیء برنزی، قیر، و شیء با کاربری نامعلوم است. یافته‌های سفالی این مرحله استقراری حکایت از آن دارد که تولید سفال‌های قرمز ساده (Simple Red Wares) کاملاً متوقف شده و سفال‌های با نقش سیاه بر روی زمینه نخودی (Standard Black on Buff Wares) نیز تنها با برخی از اشکال خاص شامل ساغرهای پایه‌بلند منقوش تداوم می‌یابند. تولید سفال‌های زاویه‌دار نخودی رنگ ساده (CPB) نیز ظاهراً همراه با تولید سفال‌های نخودی ساده (Buff Wares) ادامه پیدا می‌کند.

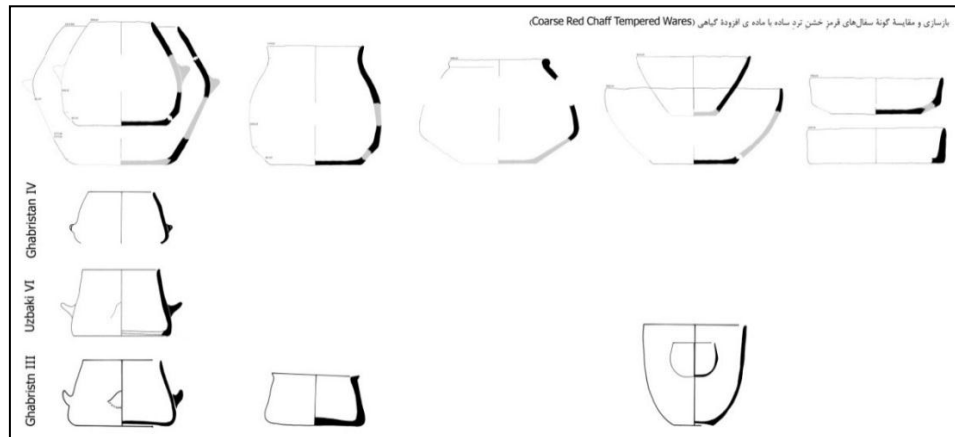
۴. گونه‌شناسی

۴-۱. گونه‌ی سفال‌های قرمز ساده (Simple Red Wares)

این گونه‌ی سفالی بسیار منسجم که به‌واسطه‌ی رنگ قرمز و گاهاً قرمز دودزده‌ی ساده و بدون تزئین، خشونت ظاهری به‌ویژه در سطح خارجی، ماده‌افزوده‌ی ترکیبی گیاهی و کانی و گاه فقط گیاهی فراوان، تردی ناشی از ورزیدگی ناکافی و خلل‌و فرج بسیار و البته نحوه‌ی پخت، شکل‌شناسی منحصربه‌فرد و دست‌ساز بودنش به‌سادگی قابل تشخیص است (تصویر ۴)، حدود ۹ درصد کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود. اشکال به‌دست‌آمده از این نوع سفال اغلب شامل کاسه‌ها و لاوک‌های نسبتاً عمیق ساده و ظروف شکم‌دار با کف تخت است. ویژگی‌هایی، نظیر برخی اشکال منفرد، دسته‌های شاخی‌شکل و برخی اشکال لبه‌ها نیز در میان آن‌ها مشاهده می‌شود. قدیمی‌ترین نمونه‌های منتشرشده قابل‌مقایسه با این گونه‌ی سفالی، دیگچه‌هایی با دسته‌های شاخی‌شکل، حاصل از فعالیت‌های میدانی مجیدزاده در محوطه‌های قبرستان و ازبکی هستند (تصویر ۵) که وی در هر دو مورد آن‌ها را به دوره‌ی استقرار قبرستان III لایه‌های ۷-۸، که آن‌را مابین دوره‌های سیلک III₅ و III₆ معرفی کرده و معرف فرهنگ مستقلی در دو محوطه‌ی یادشده می‌داند نسبت داده است (Majidzadeh 1976: 284؛ مجیدزاده ۱۳۸۹: ۴۵). اگرچه مطابق هر دو گزارش ایشان این نوع ظروف سفال خاکستری معرفی شده‌اند، اما تصویر ارائه شده از نمونه‌ی ازبکی (ازبکی VI) نمونه‌ای دودزده از یک سفال نخودی‌رنگ بوده است (همان: ۳۳۵). نمونه‌های جدیدتر این نوع از ظروف به استناد گزارش مجیدزاده، سفالی است که به‌عنوان یک نمونه سفال خشن، با پوشش گلی غلیظ قرمز-نخودی، بدون تزئین و با ماده‌افزوده‌ی گیاهی توصیف شده و کاوش‌گر آن‌را به دوره‌ی دوم قبرستان که هم‌زمان با سیلک III₄₋₅ می‌باشد، نسبت داده است. تولید و کاربرد این گونه‌ی سفالی از ابتدای استقرار در محوطه‌ی باستانی میمنت‌آباد در مرحله‌ی استقرار I تا مرحله‌ی ماقبل آخر استقرار در محوطه، یعنی مرحله‌ی استقرار IIIb که با تحولات شدید فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کل مرکز فلات ایران همراه است، تداوم داشته است.



تصویر ۴: گونه‌ی سفال‌های قرمز ساده (Simple Red Wares) (یوسفی‌زاشک، ۱۳۸۹).



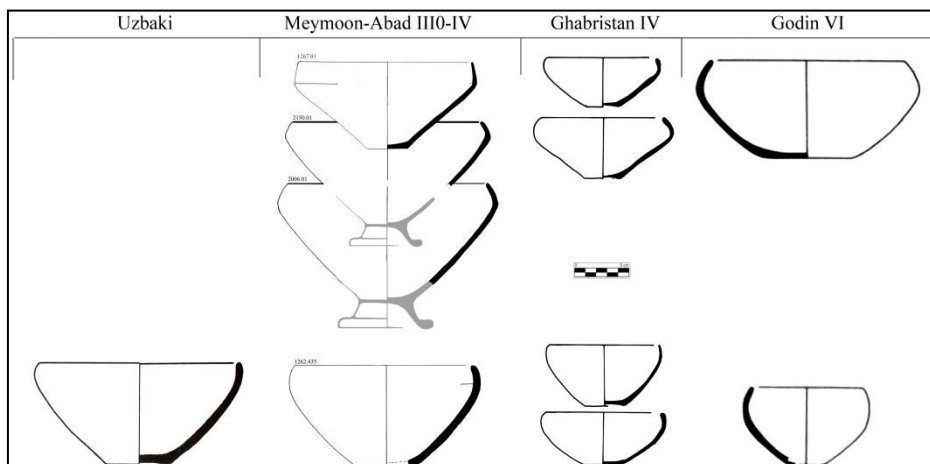
تصویر ۵: اشکال مقایسه‌ای مربوط به گونه‌ی سفال‌های قرمز ساده (Simple Red Wares)، (یوسفی‌زسک، ۱۳۸۹) (نگارندگان)

۲-۴. گونه‌ی ظروف سفالی زاویه‌دار نخودی‌رنگ ساده (Carinated Plain Buff Wares)

از انواع سفال‌هایی که تولید آن در مرحله‌ی استقرار III آغاز شده و در مراحل بعدی به یکی از انواع سفال‌های غالب هر مرحله تبدیل می‌شود، انواعی از ظروف سفالی زاویه‌دار نخودی‌رنگ ساده (Carinated Plain Buff Wares) هستند که همگی بدون استثنا چرخ‌ساز بوده و جز در موارد اندکی که از پوشش گلی برای پرداخت سطح آن‌ها استفاده شده، اغلب ساده و فاقد پرداخت ثانوی (پرداخت پس از اتمام مرحله‌ی شکل‌دهی) هستند (تصویر ۶). این گونه‌ی سفالی حدود ۲۰ درصد از کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود که پراکندگی آن تنها منحصر به مراحل استقرار پس از مرحله‌ی IIIb تا مرحله‌ی استقرار IIIb می‌باشد. اشکال رایج در این گونه‌ی سفالی شامل ظروفی با بدنه‌های زاویه‌دار است که دهانه‌های تنگ ظروف با فاصله‌ی اندکی در بالای این زاویه قرار دارد و به نظر می‌رسد شامل دو نوع از کف‌های تخت و نمونه‌های پایه‌دار بوده‌اند. با وجود اینکه نمونه‌های منقوش با اشکال مشابه این گونه‌ی سفالی نیز در این مرحله شناسایی شده، این گونه‌ی سفالی اساساً ساده و غیرمنقوش بوده است. در بین مجموعه‌ی یافته‌های سفالی سیلک، هیچ نمونه‌ای برای این گروه از سفال‌های میمنت‌آباد یافت نمی‌شود. اما در میان سفال‌های معرفی شده در گزارش قبرستان، نمونه‌های مطلوبی برای مقایسه با این مجموعه وجود دارد که همگی آن‌ها در کنار سفال‌های لبه‌واربخته و انواعی که از آن‌ها به‌عنوان ظروف کف‌نخ‌بر یاد می‌شود، بدون استثناء به دوره‌ی قبرستان IV نسبت داده شده‌اند (Majidzadeh 1976: 288). در گزارش کاوش‌های مجموعه‌ی ازبکی نیز تعداد اندکی از این نوع ظروف در میان سفال‌های منسوب به عصر آهن و دوره‌ی ماد مارال‌تپه مشاهده شده که به ۱,۲۵ سانتی‌متر ابتدایی لایه‌ها تعلق داشته و به سبب وجود کاسه‌های لبه‌واربخته‌ی آروکی در سطح محوطه، می‌توانسته مربوط به لایه‌های مضطرب و یا جابه‌جائی اتفاقی قطعات سفالی بوده باشد (مجیدزاده ۱۳۸۹: ۱۸۲). از دیگر محوطه‌هایی که شواهدی از حضور این گونه‌ی سفالی را به نمایش می‌گذارند، گودین تپه‌ی نه‌اوند است که نمونه‌هایی از دوره‌ی گودین VI را در اختیار می‌گذارد (تصویر ۷) (Rothman and Gopnik 2011: 82).



تصویر شماره ۶: گونه‌ی ظروف سفالی ظروف سفالی مصرفی زورقی نخودی‌رنگ ساده (Carinated Plain Buff Wares)، (یوسفی‌زاشک، ۱۳۸۹).

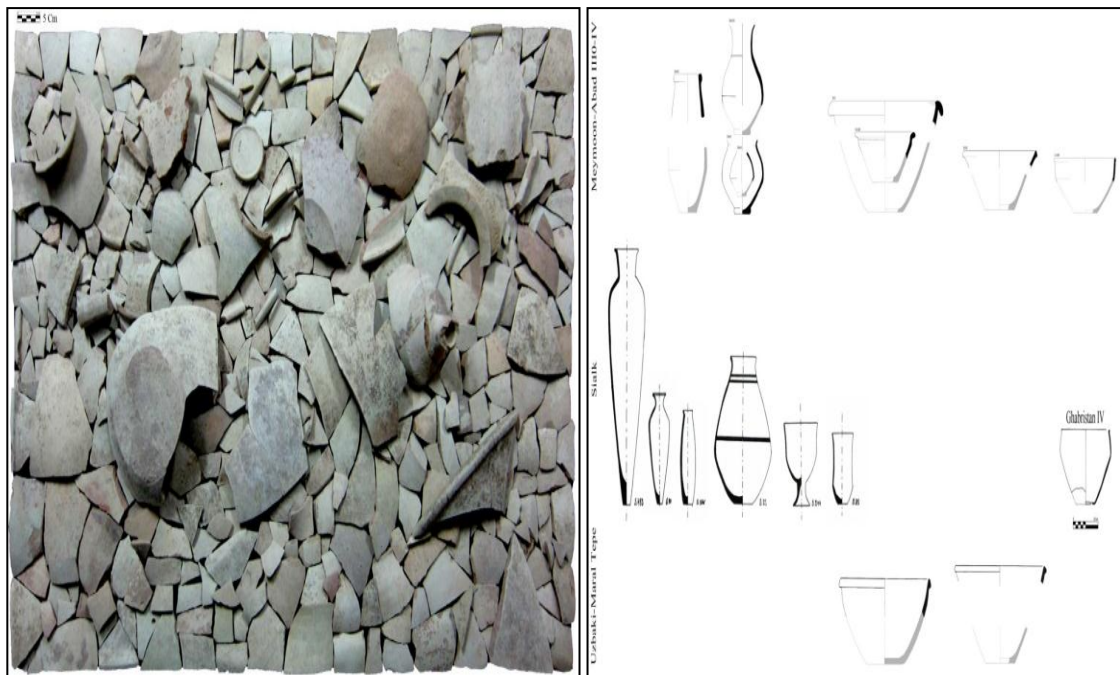


تصویر ۷: مقایسه‌ی اشکال مربوط به گونه‌ی ظروف سفالی ظروف سفالی مصرفی زورقی نخودی‌رنگ ساده (CPB)، (نگارندگان)

۳-۴. مجموعه سفال‌های نخودی ساده (Buff Wares)

یکی دیگر از انواع سفال‌هایی که تولید آن در مرحله استقرار III آغاز شده و در مراحل بعدی به یکی از انواع سفال‌های غالب هر مرحله تبدیل می‌شود، انواعی از ظروف سفالی غیرمنقوش نخودی‌رنگ ساده (Buff Wares) هستند که همگی بدون استثنا چرخ‌ساز و دارای پوشش گلی غلیظ بوده و جز در مواردی معدود سطح خارجی آن‌ها کاملاً پرداخت شده و داغدار است. این نوع از سفال‌ها با خمیره‌ای که از ماده‌افزوده معدنی (ماسه نرم) در آن‌ها استفاده شده حدود ۲۰ درصد از کل مجموعه مورد مطالعه را دربر می‌گیرند (تصویر ۸). این نوع سفال‌ها از مرحله استقرار III0 آغاز شده و تا پایان استقرار در میمنت‌آباد ادامه پیدا می‌کنند. با وجود اینکه به نظر می‌رسد این نوع از سفال‌ها انواعی کاربردی و پرمصرف بوده باشند، در بین مجموعه یافته‌های سفالی سیلک، نمونه قابل ملاحظه‌ای برای مقایسه مشاهده نمی‌شود و به نظر می‌رسد که چند نمونه معدود ارائه‌شده نیز بیشتر با سفال‌های آروکی مرتبط بوده باشند (Ghirshman 1938: 266-268). در میان سفال‌های

معرفی شده در گزارش قبرستان نیز تک‌نمونه‌ای بیش یافت نمی‌شود که ظرفی نسبتاً کوچک با بدنه‌ای زاویه‌دار بوده و نمونه‌های مشابه آن در میمنت‌آباد نیز قابل مشاهده است (Majidzadeh 1976: 288). در گزارش کاوش‌های مجموعه ازبکی نیز تعداد اندکی از این نوع ظروف در میان سفال‌های نسبت داده شده به عصر آهن و دوره ماد مارال تپه مشاهده می‌شود که در مشابهت با نمونه‌های CPB به لایه‌های ۱،۵ متر ابتدایی محوطه تعلق داشته و به سبب وجود کاسه‌های لبه‌واربخته آروکی در سطح محوطه، می‌توانسته مربوط به لایه‌های مضرب و یا جابه‌جائی اتفاقی قطعات و شاید حتی اشتباهات کاوش‌گر بوده باشد (تصویر ۹) (مجیدزاده ۱۳۸۹: ۱۸۰).



تصویر ۹: مقایسه‌ی اشکال مربوط به مجموعه‌ی مجموعه‌ی سفال نخودی ساده با پوشش گلی غلیظ (Plain Slipped Buff Wares)، (یوسفی‌زاشک، ۱۳۸۹).

تصویر ۸: سفال نخودی ساده با پوشش گلی غلیظ (Plain Slipped Buff Wares)، (نگارندگان).

۴-۴. گونه سفال سیاه روی نخودی استاندارد (Standard Black on Buff Wares)

سفال‌های SBoB گونه شناخته‌شده‌ای در مرکز فلات ایران هستند و اغلب شامل انواع کاسه‌ها و جام‌های پایه‌دار و بدون پایه منقوش با بدنه‌های زاویه‌دار می‌باشند. به لحاظ فنی نیز بارزترین صفت مشخصه سفال‌های این مرحله استقرار در میمنت‌آباد وجود همین سفال‌های منقوش با نقوش سیاه بر روی زمینه نخودی است که از نظر تزئینات و شکل‌شناسی، قالبی مشخص و تا حد زیادی پیش‌بینی‌پذیر دارند و همین امر نیز سبب نام‌گذاری آن‌ها به عنوان یک گونه سفالی استاندارد شده است (تصویر ۱۲). این گونه سفالی کاملاً منسجم چرخ‌ساز که بیش‌از هر چیز به‌واسطه، نوع و رنگ تزئینات آن که شامل تعداد زیادی از نقش‌مایه‌های هندسی و جانوری است که با استفاده از رنگ سیاه بر روی زمینه نخودی متمایل به سبز ظروف اجرا شده‌اند، اشکال پایه‌دار با بدنه‌های زاویه‌دار، پوشش گلی غلیظ متمایل به سبز در سطح خارجی که پیش از تزئین

ظرف با شیء صافی صیقلی و براق می‌شده، ورزیدگی کافی خمیره و ساخت و پرداخت ظریف قطعات، پخت مطلوب و استفاده از ماده‌افزوده کانی ریز در بافت خمیره، قابل شناسایی است، حدود ۱۴ درصد از کل مجموعه مورد مطالعه را شامل می‌شود که پراکندگی آن به‌صورت تدریجی با پیش‌زمینه‌ای از انواع سفال‌های PSBoB در مرحله استقرار III0 آغاز شده و از مرحله استقرار IIIa به بعد با سبکی استانداردشده، به سفال غالب محوطه تبدیل می‌گردد. اشکال به‌دست‌آمده از این گونه سفالی (تصویر ۱۰) شامل انواعی از کاسه‌های کوچک و بزرگ پایه‌دار و کف تخت که اغلب دارای بدنه‌های زاویه‌دار هستند، ظروف شکم‌دار با دهانه‌های بسته، ساغرهای پایه‌بلند و جام‌های کوتاه و بلند است. لبه ظروف این گونه سفالی از تنوع قابل توجهی برخوردار بوده و لبه‌های باریک‌شونده، تخت و گاه پخ را شامل می‌گردد. اشکال غالب، هم‌چنان شامل انواع کاسه‌های پایه‌دار است که از اندازه‌ها و گشودگی یا بسته بودن دهانه ظروف، لزوماً از استاندارد واحدی تبعیت نمی‌کنند. از بارزترین اشکال رایج در این گونه سفالی انواع کاسه‌های بزرگ با لبه‌های تخت هستند که پهنای زیاد لبه آن‌ها فرصت خوبی را برای اجرای تزئینات متنوع فراهم ساخته و نمونه‌های آن‌را حتی در گودین‌تپه نیز می‌توان یافت. اما نکته مهم در رابطه با شکل‌شناسی این گونه سفالی رواج نوعی از ساغرهای پایه‌بلندی است که حداقل در مجموعه مطالعه‌شده محوطه میمنت‌آباد تنها پس از ورود به مرحله استقرار چهارم (Phase IV) و ظهور انواع سفال‌های موسوم به آروکی، متداول می‌گردند.



تصویر ۱۱: مقایسه اشکال مربوط به گونه سفال سیاه روی نخودی استاندارد (SBoB)، (نگارندگان).

تصویر ۱۰: گونه سفال سیاه تصویر روی نخودی استاندارد (Standard Black on Buff Wares)، (یوسفی‌زک،

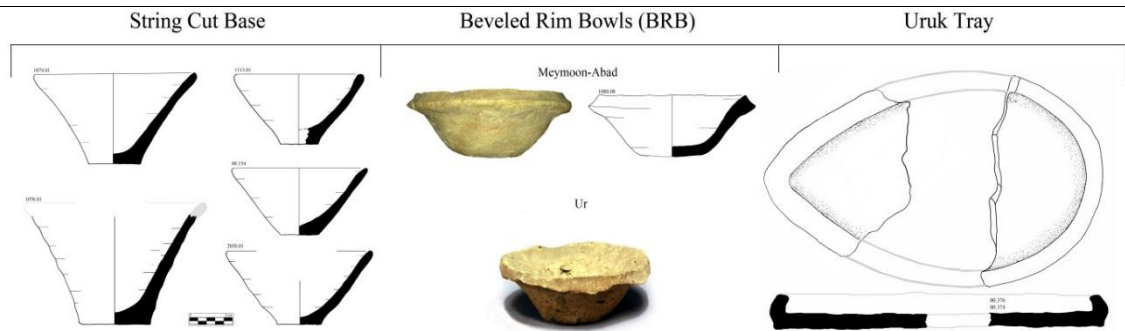
(۱۳۸۹)

با وجود اینکه بیش از صد ترکیب مختلف از نقش‌مایه‌های متنوع برای تزئین این گونه سفالی به‌کارگرفته شده است که چیزی کمتر از ۱۰ درصد آن‌ها به نقش‌مایه‌های جانوری که اغلب شامل بزها هستند، اختصاص دارد و مابقی آن شامل انواع نقش‌مایه‌های هندسی ساده و مرکب می‌باشد، ماهیت نقوش به‌صورتی است که ترکیب استانداردسازی‌شده آن‌ها را پیش‌بینی‌پذیر می‌سازد. سفال‌گر در تزئین این گونه سفالی، بیش از هر چیز پای‌بند استانداردهایی است که علی‌رغم وجود نقش‌مایه‌های متنوع، او را در متنوع ساختن تزئینات محدود

می‌کنند. کادربندی‌های ایجاد شده با نوارهای افقی پهن که با ترکیبی از خطوط عمودی و افقی موازی یا دالبری‌ها، مثلث‌ها یا ترکیب‌های مثلثی (مانند نقش‌های پروانه‌ای و امثال آن) و جانورانی از راسته بزسانان و گوسانان و در پاره‌ای از موارد شیر (مانند نمونه‌های سیلک) تزئین می‌شوند و تنها بخش بالائی زاویه بدنه ظروف را تزئین می‌کنند و نقوش جناغی روی پایه ظروف که در این مرحله کاملاً جایگزین نقش‌مایه‌های نقطه‌ای و خطوط موازی عمودی می‌گردند، همگی بخشی از تزئینات قالبی و تعریف‌شده‌ای هستند که با استفاده از لایه ضخیمی از رنگ سیاه و با دقت و ظرافت کامل بر روی زمینه‌های پرداخت شده ظروف به اجرا درمی‌آیند. تعداد زیادی از نمونه‌های مشابه این گونه سفالی در گزارش سیلک به تصویر کشیده شده که همگی آن‌ها به دوره‌های سیلک III_{6.7} نسبت داده شده‌اند و تا حدود زیادی قابل قیاس با نمونه‌های میمنت‌آباد هستند (Ghirshman 1938: 245-252). از نکات جالب توجه در این میان، وجود و حضور ظروف با لبه‌های تخت است که از میمنت‌آباد تا گودین و سیلک با شکل و ترکیب مشابهی رایج بوده‌اند. اما نکته عجیب آن جاست که در میان سفال‌های ارائه شده در گزارش قبرستان، علی‌رغم معرفی کاسه‌های لبه‌واریکته کوتاه سبک اروکی و انواع ظروف زاویه‌دار، حتی یک نمونه قابل توجه از سفال SBoB هم در بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود. شگفت آن جاست که می‌دانیم، با ورود سفال‌های اروکی به عرصه فرهنگی مرکز فلات ایران، تولید سفال‌های منقوش لزوماً متوقف نشده و با همان استانداردهای سابق تداوم می‌یابد و از همین رو است که جای خالی آن‌ها در گزارش تپه قبرستان، تا به این حد تعجب‌آور می‌نماید. این در حالی است که وجود قطعاتی در ازبکی نیز نشان از گستره شرق تا غرب آن از دشت قزوین تا دشت تهران دارد.

۴-۵. گونه ظروف سفالی ساده و خشن تولید انبوه (Mass-Produced Coarse Plain Buff Wares)

ویژگی بارز گونه‌های سفالی رایج در آخرین مرحله استقرار میمنت‌آباد یعنی مرحله IV، رواج ناگهانی و بی‌مقدمه ظروف ساده و خشن با تولید انبوه (Mass-Produced Coarse Plain Buff Wares) شامل سفال‌های لبه‌واریکته، سینی‌های اروکی و کاسه‌های کف‌نخ‌بری است (تصویر ۱۲) که صفت مشخصه دوره آغازشهرنشینی در بین‌النهرین و جنوب غرب ایران می‌باشند. کاسه‌های لبه‌واریکته از انواع کم ارتفاع بوده و متفاوت از انواع لبه‌واریکته‌های رایج در دوره آغازایلامی هستند (Helwing 2013). در این میان گونه‌های سفالی کوچک‌تری نیز وجود دارند که ذکر جایگاه آن‌ها نیازمند مطالعه بیشتری است، که از آن جمله می‌توان به وجود ظروف دوده‌انه و خمیره‌های بزرگ ساخته شده از خمیره نخودی رنگ با ماده افزوده گیاهی اشاره نمود.

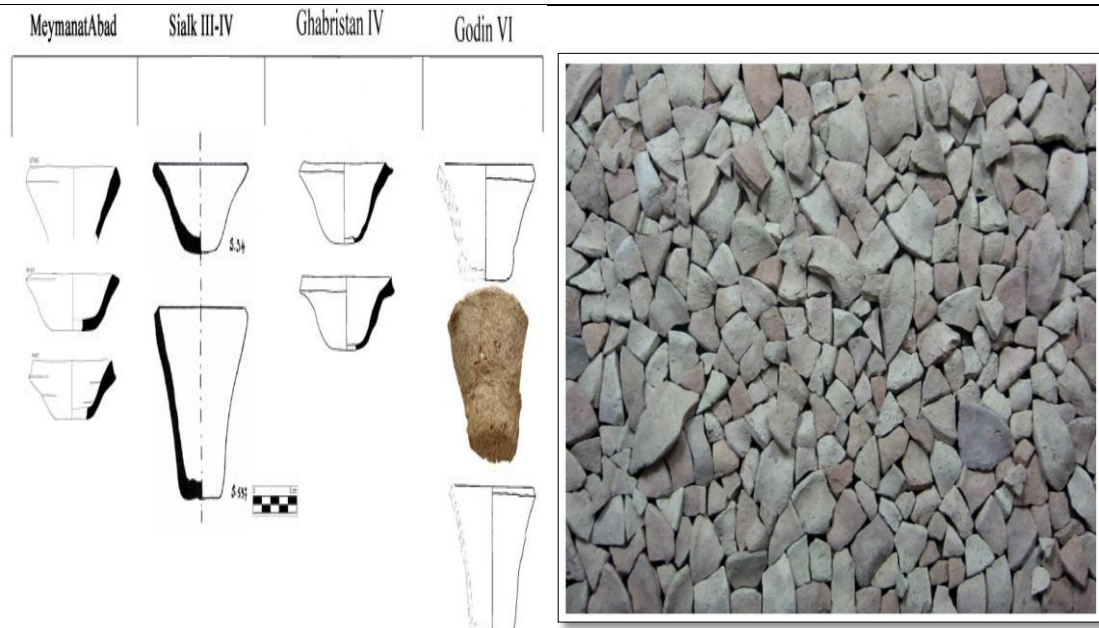


تصویر ۱۲: گونه‌ی ظروف سفالی ساده و خشن (Mass-Produced Coarse Plain Buff Wares)، سینی اروکی، لبه‌وار یخته و کف‌نخ‌بر

۱-۵-۴. لبه‌وار یخته‌ها (Beveled-Rim Bowls)

کاسه‌های مصرفی تولید انبوه کوچکی هستند که منشاء تولید و کاربرد آن‌ها به فرهنگ هزاره‌ی چهارمی اروک در بین‌النهرین باستان باز می‌گردد که تا اواخر این هزاره در بخش وسیعی از خاورمیانه از شرق مدیترانه تا دره‌ی سند پراکنده می‌شوند (Potts 2009; Fazeli et al. 2013). در واقع این نوع سفال در کنار برخی دیگر از ویژگی‌ها مانند آغاز نگارش و آغاز شهرنشینی در سایه‌ی شکل‌گیری ساختارهای مدیریتی و خصیصه‌های مرتبط با آن‌ها جزو بارزترین مؤلفه‌های پژوهشی اواخر هزاره‌ی چهارم ق.م. در مرکز فلات ایران به‌شمار می‌روند. این کاسه‌های دست‌ساز خشن با طیف رنگ خمیر قهوه‌ای متمایل به قرمز و یا متمایل به کرم رنگ (تصویر ۱۵) شامل سفال‌های ساده‌ای است که ماده‌ی افزوده‌ی استفاده‌شده در آن‌ها از نوع گیاهی درشت با ناخالصی بالای شن بوده و سطح خارجی آن‌ها با نمود خشن و زبر حاصل از نحوه‌ی تولید، لبه‌هایی که با استفاده از انگشت به‌سمت بیرون پخ شده و رد دست سفال‌گر در سطح داخلی نسبتاً هموارتر آن مشهود است و دیواره‌های ضخیم و زمخت، در اندازه‌های نسبتاً استاندارد به دو شکل جام‌های بلند مرتبط با تحولات دوره‌ی آغاز ایلامی و کاسه‌های کوتاه مرتبط با آنچه که گاهاً با عنوان گسترش اروک^۱ از آن یاد می‌شود (Helwing 2005)، قابل مشاهده هستند که انواع رایج در میمنت‌آباد تنها از نوع کوتاه آن با طیفی از اندازه‌ی دهانه‌های ۱۲، ۱۴، ۱۶ و ۲۰ سانتی‌متری می‌باشد که البته این اندازه‌ها به‌واسطه‌ی کیفیت پائین قطعات از نظر درصد باقی‌مانده از دهانه‌ی ظرف و دست‌ساز بودن این ظروف، استناد آماری قابل‌ملاحظه‌ای به‌شمار نمی‌روند. این نوع سفال که تاکنون در دیگر محوطه‌ها غالباً به دو صورت ضایعات دورریخته‌شده و ظروف سالم انبارشده یافت شده، در کاوش‌های فصل اول میمنت‌آباد، تنها به‌صورت ضایعات دورریخته‌شده به‌دست آمده است. همان‌طور که گفته شد سفال لبه‌وار یخته در محوطه‌های بسیاری در شمال مرکز فلات ایران من جمله تپه قبرستان، سیلک III_{7b} و IV و در کوه‌های زاگرس در گودین تپه (VI₃₋₁) و دیگر محوطه‌ها پدیدار می‌گردند.

† Uruk Expansion

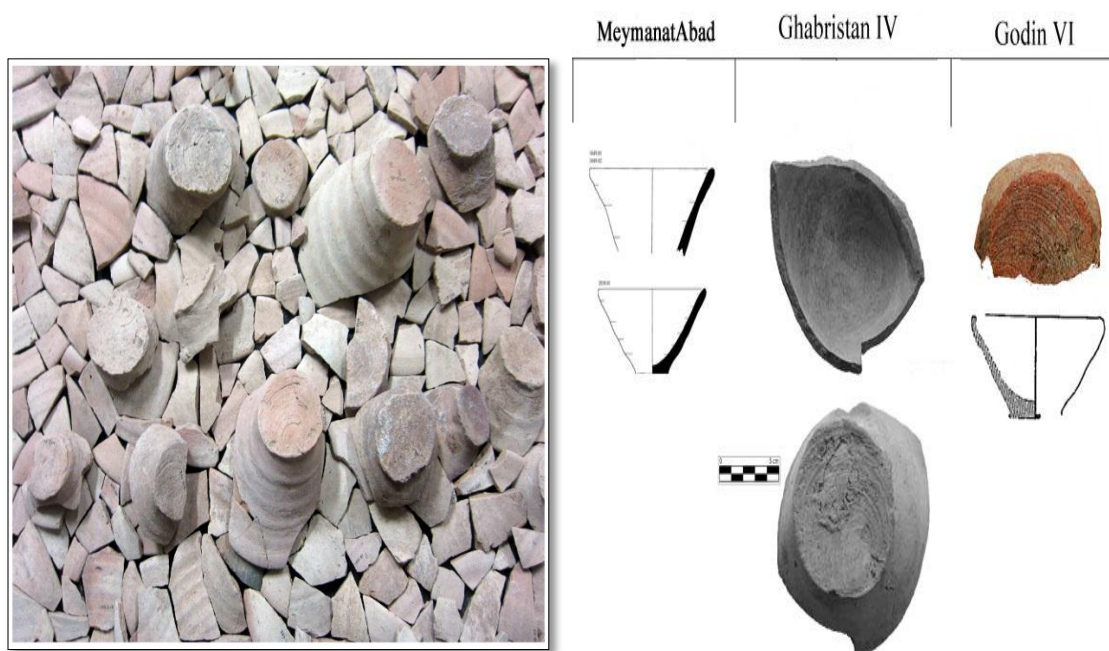


تصویر ۱۴: مقایسه اشکال مربوط به گونه سفال کاسه لبه‌وار یخته (BRB)، (نگارندگان).

تصویر ۱۳: گونه سفال کاسه‌های لبه‌وار یخته (Bevelled-Rim Bowl)، (یوسفی‌ز شک، ۱۳۸۹).

۲-۵-۴. کف‌نخ‌برها (String-Cut Bases)

کف‌نخ‌برها نیز همچون لبه‌وار یخته‌ها، کاسه‌های مصرفی تولید انبوه کوچکی هستند که از منشاء یکسانی با آن‌ها برخوردار بوده و کاربرد آن‌ها تا اواخر هزاره چهارم در بخش وسیعی از خاورمیانه گسترش می‌یابد (Fazeli 2013). این کاسه‌های دست‌ساز خشن با طیف رنگ خمیر قهوه‌ای متمایل به قرمز و یا متمایل به کرم رنگ شامل سفال‌های مخروطی‌شکل ساده‌ای است (تصویر ۱۵) که ماده افزوده استفاده شده در آنها غالباً از نوع گیاهی متوسط با ناخالصی نسبی شن بوده و پس از اتمام فرایند شکل‌دهی هیچ پرداخت ویژه‌ای بر روی سطح خارجی آنها اعمال نشده و رد چرخ بر روی ظروف به‌سادگی قابل تشخیص می‌باشد. از مهم‌ترین مشخصه‌های ظاهری این ظروف مخروطی‌شکل شامل کف‌های تختی است که با استفاده از یک رشته‌نخ از روی چرخ سفال‌گری جدا شده‌اند و از آنجایی که رد این برش تقریباً بدون استثناء در کف همه این کاسه‌ها مشهود است، به کاسه‌های کف‌نخ‌بر معروف شده‌اند. این سفال پیشینه‌ای در میان گونه‌های دوران میانی هزاره چهارم ق.م. به نام فنجان‌های مخروطی با کف چاقو‌بر دارد که بعدها در پایان همین هزاره به کف‌نخ‌بر تبدیل می‌شود (Wright 2013). از دیگر مشخصه‌های بارز این نوع ظروف لبه‌های گرد شده و گاهاً ضخیم‌تر از بدنه آن‌ها و فرورفتگی حاصل از فشار انگشتان سفال‌گر بر روی بدنه ظرف است که به‌صورت نوارهای افقی تکرار شونده بر روی ظرف مشهود بوده و حالتی مواج به بدنه ظرف می‌دهند. قطعات شناسایی شده از این نوع ظروف در میمنت‌آباد، از نظر اندازه دهانه ظروف، بدون احتساب برخی استثناها عموماً در طیفی از گروه‌های ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۲ و ۲۴ سانتی‌متری قرار دارند که در نوع خود استاندارد قابل توجهی به‌نظر می‌رسد که البته با توجه به کیفیت پائین قطعات از لحاظ درصد باقی‌مانده آن‌ها نسبت به یک دهانه کامل، استناد آماری به آن‌ها چندان توجیه‌پذیر نمی‌باشد. این سفال در مرکز فلات ایران در لایه‌های متعلق به دوره مس‌سنگی جدید تپه قبرستان و همچنین در گودین تپه در زاگرس مرکزی نیز به‌دست آمده است (تصویر ۱۶).

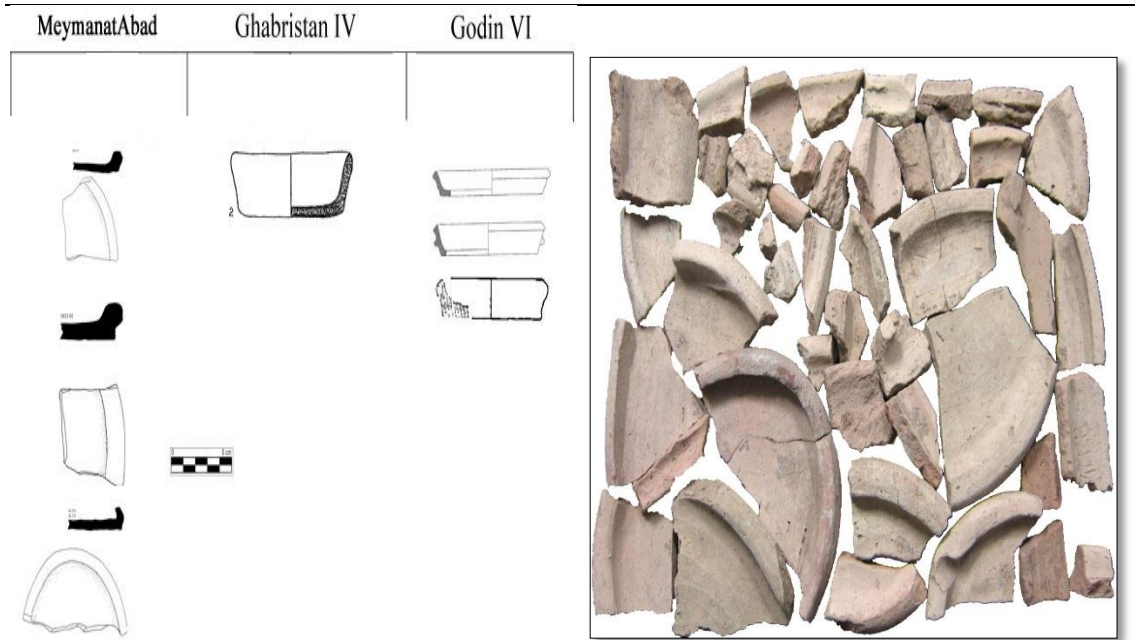


تصویر ۱۶: مقایسه اشکال مربوط به گونه سفال کاسه کف نخ‌بر (SCB)، (نگارندگان).

تصویر ۱۵: گونه سفال کاسه‌های کف نخ‌بر (String-Cut) Bases)، (یوسفی‌زاشک، ۱۳۸۹).

۳-۵-۴. سینی‌های آروکی (Uruk Trays)

این سینی‌ها، ظروف کم‌ارتفاع دست‌ساز و بادامی‌شکلی ساخته‌شده از ورقه‌های ساده گلی هستند که سطح ناهموار کف و لبه‌های تاخوردۀ آن‌ها نشان از روش ساخت ساده و انبوه چنین ظروفی بر روی زمین دارد. این دسته از سفال‌ها با طیف رنگ خمیره قهوه‌ای متمایل به قرمز و یا متمایل به کرم رنگ (تصویر ۱۷) شامل سفال‌های ظروفی هستند که ماده افزوده استفاده شده در آن‌ها از نوع گیاهی درشت با ناخالصی بالای شن بوده و سطح خارجی آن‌ها با نمود خشن و زبر حاصل از نحوه تولید آنها همراه است. کف این سینی‌های سفالی به واسطه تماس با زمین خاکی در خلال تولید، شواهدی از سطح ناهمواری را که ظرف به‌منظور شکل‌دهی بر روی آن قرار می‌گرفته را همراه دارد. ظهور مجموعه‌ای از این نوع ظروف در میمنت‌آباد که مجموعاً حدود ۹ درصد از کل سفال‌های به‌دست آمده از فصل اول کاوش را شامل می‌شوند، کاملاً دفعتی و بدون سابقه قبلی و به‌دور از هر فرایند تدریجی و آرامی است. نمونه‌های مشابه این مجموعه از سفال‌ها در گزارش سیلک به‌تصویر کشیده شده که همگی آن‌ها به دوره‌های سیلک III_{7b} و IV نسبت داده شده‌اند و تا حدود زیادی قابل قیاس با نمونه‌های میمنت‌آباد هستند (Ghirshman 1938: 245-252). همچنین نمونه‌های مشابه دیگری از مجموعه سفال‌های دوره تپه قبرستان و گودین تپه زاگرس مرکزی نیز بدست آمده است (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸: مقایسه اشکال مربوط به گونه سفال سینی‌های آروکی (Uruk Trays)، (نگارندگان).

تصویر ۱۷: گونه سفال سینی‌های آروکی (Uruk Trays)، (یوسفی‌ز شک، ۱۳۸۹).

۵. برآیند

طبیعی است که موضوع توسعه پیچیدگی‌های اجتماعی و شناسایی و مطالعه مؤلفه‌های حاکم بر فضای منطقه و محوطه در مقطع زمانی عصر مس‌سنگی جدید در شرایطی که مبحث فرایند گسترش آروک در مرکز فلات ایران و موضوع درون‌زا یا برون‌زا بودن این تحولات در اوج توجهات داخلی و خارجی قرار دارد، نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن بسترهای مراحل فرهنگی پیش‌از گسترش و توسعه محوطه‌های دارای شواهد مدیریتی وابسته به فرهنگ آروک در بین‌النهرین و جنوب‌غرب ایران مورد مطالعه قرار گیرد. چنان‌که مطالعات صورت‌گرفته بر روی یافته‌های فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه میمنت‌آباد رباط کریم نیز حکایت از وجود شواهدی از فرایندی درونی، آرام و در عین حال مداوم در زمینه افزایش پیچیدگی‌های اجتماعی در کنار ظهور ناگهانی ابزارها و مدارک مرتبط با مدیریت اداری و تجارت دوربرد را دارد. مطالعه گونه‌شناختی یافته‌های باستان‌شناسی محوطه نشانگر شباهت‌های نزدیکی است که بین مراحل استقرار مختلف آن با فرهنگ‌های شناخته‌شده مرکز فلات ایران از دشت قزوین تا کاشان در نیمه هزاره چهارم ق.م. و اواخر آن وجود دارد.

شواهد باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از این محوطه (میمنت‌آباد، کارگاه شماره یک، برجستگی شمالی) بر اساس لایه‌نگاری و سبک‌شناسی سنت سفالی نشان‌دهنده یک تداوم فرهنگی قابل توجه در بین دو دوره سیلک III₇ و سیلک IV₁ می‌باشد. اگر چه بسیاری از تغییرات سفالی که در سیلک IV₁ اتفاق می‌افتد، ناگهان پدیدار می‌شود، به‌نظر می‌رسد این تغییرات در واقع ریشه‌های عمیقی در دوره قبل یعنی سیلک III₇ داشته است، چراکه در کنار تداوم نسبی سنت‌های سفالی پیشین شاهد نوعی استانداردسازی اشکال، که شواهدی بر یک فرایند درونی در حال رشد از سطح مدیریت و کنترل اجتماعی در میان متغیرهای درون‌زا است، هستیم. از سفال‌های منقوش دوره سیلک III₆ به سمت سیلک III₇ که نزدیک می‌شویم سفال‌ها در اشکال و نقش‌ها

استانداردسازی شده و به تولید انبوه می‌رسند، که این خود می‌تواند نشان‌دهنده تحول در سیلک III₇ باشد. انبوه‌سازی در تولید سفال نیز معیاری دیگر در این زمینه است که از سیلک III₆ به III₇ شاهد روزافزون آن هستیم و سپس از سیلک III₇ به IV₁ نقش‌ها کم و انبوه‌سازی گسترده‌تر می‌شود.

یکی از موضوعات مهم در باستان‌شناسی جدید درک چرایی و چگونگی شکل‌گیری جوامع پیچیده، رشد تمایزات اجتماعی - اقتصادی و شکل‌گیری نهادهای حکومتی است. برای اولین بار توسعه گسترده سیاسی و اقتصادی که در جوامع پیش از تاریخ مرکز فلات ایران رخ داد مربوط به اواخر دوره اُروک جدید (۳۵۰۰-۳۲۰۰ ق.م) و دوره آغازیلامی (۳۲۰۰-۲۹۰۰ ق.م) بود که شبکه‌ای اقتصادی و سیاسی تأسیس کرد که از طریق آن مرکز فلات ایران را به جنوب غرب ایران، جنوب بین‌النهرین و شمال شرق ایران متصل کرد. مواد فرهنگی اُروک جدید و آغازیلامی که در امتداد شاهراه اصلی تجاری شرق-غرب که همان جاده بزرگ خراسان می‌باشد یافت شده است، که خود شاهدهی بر این ارتباطات و اشاعه فرهنگی در اواخر هزاره چهارم ق.م است. از مدارک مدیریت اداری و مواد فرهنگی که شاخصه تحولات اواخر هزاره چهارم ق.م. در گستره مرکز فلات ایران بوده، در کنار سفال‌های لبه‌واریکه، کف‌نخ‌بر و سینی‌های اُروکی می‌توان به انواع مهرها-اثر مهرها-کالانشان-چوب‌خط-گل‌نوشته‌ها اشاره کرد. باید اذعان داشت در محوطه میمنت‌آباد رباط‌کریم فقط گونه‌های سفالی (لبه‌واریکه، کف‌نخ‌برها، سینی‌های اُروکی) در ارتباط با فن مدیریت اداری مشاهده شده است، ولی در دیگر محوطه‌های شناخته‌شده مرکز فلات ایران از جمله سیلک، قبرستان، حصار، ازبکی، که شاهد شباهت‌های نزدیکی میان آنها و میمنت‌آباد هستیم، به دیگر ابزارها و مدارک تجارت دوربُرد برخورد کردیم. اطلاعات این محوطه‌ها نشان‌دهنده فرآیند تحول هستند که در یک چرخه بر نظام مدیریتی محوطه‌های اطراف تاثیر داشتند. پس می‌توان عنوان کرد، محوطه میمنت‌آباد که فقط شاخصه‌های سفالی مرتبط با تحولات این دوره را دارا است، هم تابع محوطه‌های بزرگ‌تر مرکز فلات ایران در جهت توسعه پیچیدگی‌های اجتماعی بوده و عوامل بیرونی بر آن اثر داشته است و هم به علت تداوم سنت‌های سفالی آن، تحت تاثیر عوامل درونی بوده است.

منابع

- دارک، کن، ۱۳۷۹؛ *میانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- رحیمی، قاسم، ۱۳۹۰؛ «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی یافته‌های باستان‌شناختی دوره آغازشهرنشینی بر اساس بررسی روشمند محوطه میمنت‌آباد (میمن‌آباد)، رباط‌کریم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران (منتشر نشده).
- طلایی، حسن، ۱۳۸۵؛ *عصر مفرغ ایران*، انتشارات سمت، تهران.
- علی بیگی، سجاد، ۱۳۸۵؛ «گزارش تعیین حریم محوطه باستانی میمنت‌آباد شهرستان رباط‌کریم»، بایگانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده].
- فاضلی نشلی، حسن و حجت دارابی، یوسف فلاحیان، ۱۳۹۰؛ «گاهنگاری مطلق و نسبی تپه سگزآباد دشت قزوین»، *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۳، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۱۳۳-۱۵۹.
- فاضلی‌نشلی، حسن، ۱۳۸۰؛ «بررسی‌های باستان‌شناسی در دشت تهران»، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۸۴، شماره ۱۶۰، صص. ۱۹۷-۲۱۶.
- کامبخش‌فرد، سیفا...، ۱۳۸۳؛ *سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، تهران.
- گیرشمن، رومن، ۱۹۸۳؛ *سیلک کاشان*، جلد اول، تهران، ترجمه‌ی: اصغر کریمی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۰؛ «باستان‌شناسی و سفال»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، صص ۷-۱۴.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۹؛ «کاوش‌های محوطه‌ی باستانی ازبکی»، جلد اول: هنر و معماری، اداره‌ی کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران، تهران.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۹؛ *کاوش‌های محوطه‌ی باستانی ازبکی*، جلد دوم: سفال، اداره‌ی کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران، تهران.
- ملک شهمیرزادی، صادق، ۱۳۷۸؛ *ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی*، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران.
- ملک شهمیرزادی، صادق، ۱۳۸۴؛ *واژه‌نامه باستان‌شناسی*، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران.
- یوسفی زشک، روح...، ۱۳۸۹؛ «گزارش لایه‌نگاری محوطه میمنت‌آباد رباط‌کریم»، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران (منتشر نشده).
- Alden, J. R., 1982. *Trade and politics in Proto-Elamite Iran*, *Current Anthropology* 23: 613-640
- Arnold, D.E., 1985. *Ceramic theory and cultural process*, Cambridge University Press.
- Fazeli Nashli, H., Valipour H.R., and Azizi Kharanaghi, M.H., 2013. The late Chalcolithic and early Bronze Age in the Qazvin and Tehran Plains: a chronological perspective, in: Cameron A. Petrie (ed.), *ancient Iran and its neighbors, local developments and long-range interactions in the fourth millennium B.C.*, The British Institute of Persian Studies, Archaeological Monograph Series III, OXBOW Books, Pp. 107-131.
- Ghirshman, R., 1939. *Fouilles de Sialk*, (Vol. I), Geuthner, Paris.
- Helwing, B., 2005. Long distance relations of the Iranian highland sites during the late Chalcolithic period: new evidence from the joint Iranian-German excavations at Arisman, in: Franke-Vogt, U., and Weisshaar, H-J., (eds.), *south Asian archaeology 2003*, *Forschungen zur Archäologie aussereuropäischer Kulturen*, Linden Soft, Aachen pp. 171-78.
- Helwing, B., 2013. Some thoughts on the mode of culture change in the fourth-millennium BC Iranian highlands, in: Cameron A. Petrie (ed.), *ancient Iran and its neighbors, local developments and long-range interactions in the fourth millennium BC*, The British Institute of Persian Studies, Archaeological Monograph Series III, OXBOW Books, Pp. 93-107.
- Kohl, P., 1978. Western Asian trade in the third millennium B.C., *Current Anthropology* 19: 463-92.

- La Brun, A., 1971. Recherches stratigraphiques a l'acropole de Suse (1969-1971), DAFI 1: 163-216.
- Lamberg-Karlovsky, C., 1970. Excavation at Tepe Yahya, Iran; progress report I, Cambridge, Massachusetts.
- Majidzadeh, Y., 1976. The early prehistoric cultures of the Central Plateau of Iran, an archaeological history of its development during the fifth and fourth millennia B.C., Ph.D. Thesis, University of Chicago.
- Orton, C., Tyers, P., Vince, A., 2007. Pottery in archaeology, Cambridge University Press.
- Nokandeh, G., 2010. Neue untersuchungen zur Sialk III-periode im zentraliranischen hochland: auf der Grundlage der ergebnisse des, Sialk reconsideration project, unpublished Ph. D Thesis, Verlag im Internet GmbH, Berlin.
- Potts, D. T., 2009. Bevel-rim bowls and bakeries: evidence and explanations from Iran and the Indo-Iranian borderlands, Journal of Cuneiform Studies, Vol. 61: 1-23.
- Priestman, S. M.N. (2013), "Sasanian Ceramics from The Gorgan Wall And Other Sites on The Gorgan Plain", in H. Omrani Rekavandi & T. J. Wilkinson & J. Nokandeh & Eberhard Sauer (ed.) Persia's Imperial Power in Late Antiquity: The Great Wall of Gorgan and the Frontier Landscapes of Sasanian Iran, British Institute of Persian Studies, Archaeological Monograph Series II, Oxbow Books, Pp. 447-534.
- Rice, Prudence M., 1987. Pottery analysis; a sourcebook, Chicago, University of Chicago Press.
- Rothman, M., and Gopnik, H., 2011. On the high road, the history of Godin Tepe, Iran, Toronto, Mazda Publisher.
- Rouse, I., 1960. The Classification of artifacts in archaeology, American Antiquity, 25 (3): 313-323.
- Shepard, A. O., 1956. Ceramics for the archaeologist, Washington, DC, Carnegie Institute Publication, No. 609.
- Wright, Henry T., 2013. A bridge between worlds: south-western Iran during the fourth millennium BC, in: Cameron A. Petrie (ed.), ancient Iran and its neighbors, local developments and long-range interactions in the fourth millennium BC., The British Institute of Persian Studies, Archaeological Monograph Series III, OXBOW Books, Pp. 51-75.